

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای دوم

جلسه ۳۵۸ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۰۷/۱۰



- «حمد» کلید باب معرفت الهی است
- نعمت محمد مصطفی (صلوات الله علیه)؛ ستاره قدر اول نعمت‌ها
- عظمت نعمت وجود اقدس محمد مصطفی (صلوات الله علیه)
- برگزیده برگزیدگان
- صراط محمد و آل محمد (صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین)
- باب علم نبی (صلوات الله علیه)؛ علی (علیه السلام) است
- ورود به منطقه نبوتِ خاتم، از باب الولایه
- تقارن طلوع نور حضرت صادق (ع) با ولادت پیامبر اعظم (ص)
- امام صادق (علیه السلام)؛ فخر شیعه
- درخشش ستارگان الهی
- صحیفه سجادیه کتاب صلوات است
- ویژگی‌های پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) از منظر امام سجاد (علیه السلام)
- فرصت شباهت به پیغمبر اکرم (صلوات الله علیه)
- چشم امید همه انبیاء به خاتم انبیاء است

(صلی الله علیه وآله وسلم) و امام صادق  
(علیه الصلوٰة والسلام) بر همه شما  
مبارک باشد. ان شاء الله بر امام،  
بر اُمّت، بر همه دوستداران  
امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به اهل  
ولایت در سراسر عالم مبارک  
باشد. امیدواریم خداوند تبارک  
و تعالی عیدی ما را در این  
عید بزرگ فرخنده، تعجیل در  
ظهور موفور السرور حضرت  
بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه)  
لشریف و علیه الصلوٰة والسلام قرار بدهد.

خدا را شکر جلسه صحیفه  
ما با این مناسبت مقارن  
شده، ما در شب هفدهم ربیع  
الاول هستیم، یکی از بهترین  
شبهای سال، قطعه‌ای که  
خدای متعال در محیط آفرینش  
خلق کرده، این سحر مبارک  
و فرخنده‌ای که نور محمد  
مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) در  
محیط عالم ما درخشیده، از نظر  
زمان به جهت گشایش، فتح،  
درخشش، فرخندگی و برکت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمحمد

«وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
بَعْدَ هَذَا التَّحْمِيدِ فِي الصَّلَاةِ  
عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَ آلِهِ: وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ  
عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ - صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ  
الْمَاضِيَةِ وَ الْقَرُونَ السَّالِفَةِ،  
بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجُزُ عَنْ  
شَيْءٍ وَ إِنَّ عَظْمَ، وَ لَا يَفُوتُهَا  
شَيْءٌ وَ إِنَّ لَطْفَ، فَخَتَمَ بِنَا  
عَلَى جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ، وَ جَعَلْنَا  
شُهَدَاءَ عَلَيَّ مِنْ جَحَدٍ، وَ  
كَثَرْنَا بِمَنِّهِ عَلَيَّ مِنْ قَلٍ.»<sup>۱</sup>

خدمت همه عزیزان، برادران  
و خواهران، عزیزانی که در  
مسجد حاضر هستند و عزیزانی  
که از طریق تصویر جلسه ما را  
دارند تبریک عرض می‌کنیم.  
ان شاء الله میلاد فرخنده  
خاتم انبیاء محمد مصطفی



مناسبت در مواقعی شبیه این در همین جلسه درس‌مان مراجعه کردیم، بعضی از مضامین این دعا را برای شما توضیح دادیم، امشب هم به فرخندگی و میمنت این شب بزرگ می‌رویم به محضر امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) و مضامین این دعای دوم را مرور می‌کنیم. بعضی از نکته‌هایش را من تأکید می‌کنم. طبعاً در مقام مباحثه و شرح نیستیم، در مقام یک برداشت و اشاره هستیم.

فرمود: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَّمِ الْمَاضِيَةِ..»<sup>۳</sup>

بی‌نظیر است. خدای متعال را سپاسگزاریم به این شب عزیز رسیدیم و امیدواریم ان شاءالله از برکات امشب و از برکات سحر پرفیض امشب، از برکات فردا، ان شاءالله همه ما بیشترین بهره و نصیب را داشته باشیم.

به نظرم تکلیف ما امشب روشن است یعنی باید برویم به محضر امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) و دعای دوم که این دعای صحیفه مبارکه سجاده دعایی است که عنوانش هست «فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».<sup>۲</sup> بعد از این که در دعای اول امام (علیه‌الصلوة والسلام)

خدای متعال را ستایش می‌کند که دعای حمد است، بعد از دعای حمد دعای صلوات است که این دعای دوم صحیفه مبارکه است. ما هم به

۲ فرازی از دعای دوم صحیفه سجاده

## «حمد» کلید باب معرفت الهی است

کند، اسم رمز آن «حمد» است. چقدر معارف و حقایق الهی با همین کلید گشوده می‌شود. در واقع «حمد» آن کلید باب معرفت الهی است، «مفتاح المعرفة» است، ضمن این که در خودش لطافت سپاس و شکر را هم دارد. البته شکرگزاری هم هست.

### نعمت محمد مصطفی (صلوات الله علیه)؛ ستاره قدر اول نعمت‌ها

این جا می‌فرماید: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ ما خدای متعال را سپاسگزاری می‌کنیم با عنوان جامع حمد، «الحمد لله» که هم جامع همه مراتب حمد است و هم اختصاص است، یعنی در قله توحید است. خدای متعال را سپاسگزاری می‌کنیم به خاطر

۴ فرازی از دعای دوم صحیفه سجادیه

این جا مقام، مقام حمد است. دعای اول دعای حمد است. دعا از اول تا آخر دارد حضرت حق تبارک و تعالی را ثناخوانی می‌کند. این جا یک ثناخوانی مستقل و یک شکر و حمد مستقل است به مناسبت بزرگترین نعمتی که خداوند تبارک و تعالی به ما کرامت کرده. چون حمد در برابر جمال و در برابر نعمت است. گاهی ما جمال حضرت محبوب را ستایش می‌کنیم، گاهی از نعمتی که از طریق او به ما رسیده سپاسگزاری می‌کنیم، هر دو با کلیدواژه حمد است. کلمه حمد از نظر ظرفیت در اتصال بنده به ساحت قدس ربوبی بی‌نظیر است، یعنی اگر انسان بخواهد ارتباط سطح بالا با حضرت حق تبارک و تعالی برقرار

در خدمت‌ها و در نعمت‌هایی که بین انسان‌ها مبادله می‌شود منت وجود ندارد، چون هر کسی که موفق بشود مثلاً خدمتی بکند، خیری به کسی برساند، در واقع واسطه خیر بوده، چون خودش که مستقل نیست، اگر چیزی در اختیار او هست از آن خدای متعال است، این واسطه خیر شده است. بنابراین منت آن را خراب می‌کند. اگر منت بگذارد عملاً رابطه او با کسی که آن نعمت را به او رسانده مخدوش می‌شود و اجرش ضایع می‌شود. این به جای خودش محفوظ است، من چیز دیگری را می‌خواهم عرض کنم؛ می‌خواهم بگویم یک وقت است که انسان مثلاً همین خدمات معمولی را نسبت به افراد انجام می‌دهد، یک وقت یک نعمت خیلی خاصی را انجام می‌دهد.

این که بر ما به وجود نازنین محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) منت گذاشت. این قدر نعمت پیامبر عزیزمان و نعمت رسالت و نعمت ولایت آن بزرگوار، نعمت بزرگی است که خداوند تبارک و تعالی صریحاً در قرآن کریم به واسطه اهداء این نعمت بر بشریت منت می‌گذارد. می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»<sup>۵</sup> این «لقد من الله» تک است، تنها نعمتی است که خدای متعال در آن منت می‌گذارد. این منت یعنی به رخ می‌کشد، یعنی آن را جلوی چشم شما قرار می‌دهد، یعنی عظمت نعمت خودش را به روی شما می‌آورد.

۵ آیه ۱۶۴ سوره مبارکه آل عمران

ندارد. نتیجه این می‌شود که خدای متعال نعمتی بزرگتر از این به بنده‌هایش نداده است. «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...»<sup>۶</sup> اساساً امکان ندارد شما بتوانید نعمت‌هایی را که خدای متعال به شما داده بشمارید، اصلاً امکان شمارش آن را ندارید تا چه برسد امکان سپاسگزاری آن را داشته باشید. در دعای شکر این را مباحثه کردیم که انسان می‌رسد به عجز از شکر، مگر می‌تواند شکر آن را به جا بیاورد. بنابراین وقتی نعمتی با کلمه مَنّت مطرح می‌شود معنایش این است که دیگر بالاتر از این نعمتی نیست، یعنی در بین فهرست میلیاردها نعمتی که خدای متعال به شما داده و اساساً نمی‌توانید بشمارید و قابل شمارش و احصاء نیست تا چه برسد

می‌بینیم بزرگترین کاری که ممکن بود در باره فلانی انجام بدهد، آن کار را انجام می‌دهد. بعد برای این که آن شخص متوجه بشود این را به روی او می‌آورد، به رخ او می‌کشد، این به رخ کشیدن، به رو آوردن یعنی حواست هست من چه کار کردم برای تو، مسئله این است.

مَنّت گذاشتن حضرت حق در باره بندگانش یک امر شایسته‌ای است. اگر در باره روابط بین انسان‌ها مَنّت گذاشتن قبیح باشد، ولی در رابطه با عبد، منعم علی‌الاطلاق اگر مَنّت گذاشت، این مَنّت‌گذاری او هم باز نعمت دیگری است. کاشف از عظمت نعمت است، می‌خواهد به شما بگوید می‌دانید این نعمتی که به شما دادند چقدر بزرگ است؟ آن وقت مراجعه که می‌کنید می‌بینید نمونه دیگری وجود



شما نگاه می‌کنید یک نکته تازه‌ای دارد. این قدر پرنور است. در این دعا «بِمَحَمَّدٍ نَبِيِّهِ» این جا مسئله نبوت است. «بِمَحَمَّدٍ نَبِيِّهِ»، آن هم نعمتی که فقط به ما دادی، به اُمّت‌های قبل ندادی. دیگران از یک چنین نعمتی بهره‌مند نبودند، ما را به این نعمت مفتخر کردی، مشرف کردی، شرف دادی و افتخار دادی.

حالا امام (علیه‌السلام) این نعمت را می‌برد ذیل قدرت، اگرچه کلمه منت حکایت از عظمت نعمت دارد، «مَنْ عَلَيْنَا»، به ما منت گذاشت و عرض کردیم این صریح آیه قرآن هم هست که فرمود: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»<sup>۸</sup> که خدای متعال منت می‌گذارد، این جا امام سجاد

۸ آیه ۱۶۴ سوره مبارکه آل عمران

بخواهید شکرگزاری کنید، آن ستاره قدر اول نعمت‌ها، آن نقطه کانونی و مرکزی و اصلی عبارت است از نعمت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

### عظمت نعمت وجود اقدس محمد مصطفی (صلوات‌الله‌علیه)

آن وقت این نعمت این قدر بزرگ است، این قدر باعظمت است، این قدر باشکوه است که این جا اگر امام سجاد (علیه‌الصلوة‌والسلام) خواست مطلب را برای ما واضح کند، این منت را می‌برد ذیل نام قادر و قدیر پروردگار متعال، «بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنَّ عَظْمًا، وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنَّ لَطْفًا»<sup>۷</sup>. این قدر این کلمات امام سجاد (علیه‌الصلوة‌والسلام) زیبا و در عین حال جامع و این قدر لطیف و پرنکته است، هر بار

۷ فرازی از دعای دوم صحیفه سجادیه

هرچقدر هم که آن شیء بزرگ باشد، اما از قدرت تو بزرگتر نیست، قدرت تو فائق است. مجدد این کلمه «وَإِنْ عَظُمَ» دارد می‌گوید این نعمت پیغمبر اکرم (صلوات الله علیه) چقدر بزرگ است. این «وَإِنْ عَظُمَ» به کجا برمی‌گردد؟ «إِنْ عَظُمَ» اگرچه خیلی عظیم باشد. این آفرینش پیامبر اعظم (صلوات الله علیه) است. بعد می‌فرماید: «وَ لَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَ إِن لَطْفٌ؛ و هیچ چیزی هم در این جا با قدرت تو از دست نمی‌رود». «وَ لَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ» یعنی هرچه که در این جا لازم باشد، ولو بسیار لطیف باشد باز آن هم جا نمی‌ماند «وَ إِن لَطْفٌ». پس این شد مطلب اول که صدر این دعا امام (علیه‌الصلوة‌والسلام) به ما عظمت نعمت وجود اقدس خاتم انبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) را یادآوری می‌کند. عظمت

(علیه‌الصلوة‌والسلام) دارد آیه قرآن را تجاوب می‌کند، یعنی من گرفتم آنچه که تو در قرانت در باره عظمت نعمت وجود اقدس پیامبر اعظم (صلوات الله علیه) و نبوت و رسالت او گفته بودی. اکنون این نعمت را با کلیدواژه منت می‌برد ذیل قدرت تا باز به ما یادآوری کند که این نعمت خیلی بزرگ است. یعنی خداوند تبارک و تعالی قدرتش را در آفرینش این نعمت و این آیه عظمای وجود نازنینش به کار گرفته است، لذا ببینید این جا می‌فرماید «بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجُزُ عَنْ شَيْءٍ وَ إِن عَظُمَ»<sup>۹</sup> با آن قدرت این نعمت را به ما دادی و این نعمت را آفریدی که آن قدرت هرگز عجز در آن راه ندارد. هرچقدر هم آن موضعش بزرگ باشد، هرچقدر هم عظیم باشد. «وَ إِن عَظُمَ»

۹ فرازی از دعای دوم صحیفه سجادیه

پیامبر عزیز ما یک تغییری دارد می‌فرماید «أَدَبِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيِي»<sup>۱۰</sup> می‌گوید خدای متعال خیلی خوب من را پردازش کرده است. «أَدَبِي»، یعنی من را خیلی خوب ساخته است. «فَأَحْسَنَ تَأْدِيِي»، خدای متعال در ساخت من و در پردازش وجود من و شخصیت من خیلی سرمایه‌گذاری کرده و حُسن آن را به اوج رسانده. البته یک تعبیر دیگر هم از حَضِرَت نقل شده که فرمود: «أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ أَدِيِي»<sup>۱۱</sup> آن هم خیلی قشنگ است، ذیل همین که من دست پرورده خدای متعال هستم، علی هم دست پرورده من است. آن هم خیلی تعبیر دلنشینی است که خب نفس النبی است «و عَلِيٌّ أَدِيِي».

نبوت آن بزرگوار که در واقع رسول است، نبی است، پیام‌دار است، پیامبر است، پیام‌آور است، با خودش از سوی خدای متعال پیام آورده است.

### برگزیده برگزیدگان

عزیزان عنایت دارند این‌جا مطالب زیادی مطرح است، ببینید وقتی که می‌گوییم عظیم‌ترین نعمت است یعنی پیامبر عزیز ما در بین همه انبیاء که هر کدام برای اُمّت خودشان بزرگترین نعمت بودند، در بین همه آن‌ها از همه برتر است، یعنی برگزیده برگزیدگان است، امام همه‌ی ائمه است، سیدالانبیاء است، معنایش این است. معنای این سخن این است که سیره پیامبر و منهاج او و شیوه‌ای که او ارائه می‌کند برای سعادت و خوشبختی، برترین سیره‌ها است.

۱۰ مجمع البیان : ۱۰/۵۰۰

۱۱ مکارم الأخلاق : ۱۹/۵۱/۱

## صراط محمد وآل محمد

(صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين)

آن صراط مستقیم که همان راه منحصر دستیابی به قرب الهی، رضای الهی، به وصال کرم و فیض پروردگار متعال هست، یادتان باشد، آن وقت به آن‌ها بگو «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛<sup>۱۴</sup> خدای متعال من را در این صراط مستقیم هدایت کرده است».

خداوند متعال خود وجود اقدس پیامبر اعظم (صلوات الله عليه)

را مظهر صراط مستقیم قرار داده که شما در نمازهایتان دائم می‌گویید «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ

المستقیم» یعنی صراط محمد وآل محمد (صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين).

چون پیغمبر اکرم (صلوات الله عليه)

از نظر وجود و از نظر رسالت کامل‌ترین است، چون هم وجودش اکمل است، هم رسالتش اکمل است، بنابراین دینی که با خودش آورده این دین اکمل دین‌ها و تمام و اوج

تعبیری در قرآن کریم هست که فرمود «إِنَّ رَبِّي عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛<sup>۱۲</sup> خداوند تبارک و تعالی مسیطر بر صراط مستقیم است. یعنی برای سعادت و خوشبختی انسان‌ها راهی قرار داده که آن‌ها را به ساحت قدس ربوبی می‌رساند، از این راه که بروند به خدای متعال می‌رسند، به رضای الهی می‌رسند، به کمال‌شان می‌رسند، به سعادت‌شان می‌رسند. اسم آن می‌شود صراط مستقیم. آن وقت به پیغمبر اکرم (صلوات الله عليه)

می‌گوید «قُلْ»؛ آن جا می‌گوید «إِنَّ رَبِّي عَلِيٌّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»، اکنون می‌گوید «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا...»<sup>۱۳</sup> یعنی

۱۲ آیه ۵۶ سوره مبارکه هود

۱۳ آیه ۱۶۱ سوره مبارکه انعام

در ادامه همین هست «و هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ»<sup>۱۹</sup> یا «ذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»<sup>۲۰</sup> یا در جای دیگر فرمود: «وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»<sup>۲۱</sup> تعبیر شفاء برای قرآن کریم آورده و امثال این‌ها. پس این شد مطلب اول.

### باب علم نبی (صلوات‌الله‌علیه)، علی (علیه‌السلام) است

وقتی می‌گوییم این نعمت بزرگترین نعمت الهی است که خدای متعال با آن منت گذاشته و این منت را به قدرت مطلق خودش آفریده و به بشریت هدیه کرده، معنایش این چیزها است. البته شما می‌توانید این چند جمله‌ای را

و قلّه همه رسالت‌ها است. این‌ها هم از همین مطلب استخراج می‌شود که فرمود: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»<sup>۱۵</sup> یعنی جامعیت است. آنچه که ما به عنوان اسلام می‌شناسیم «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۱۶</sup>، یعنی همه آنچه که انسان برای سعادت دنیا و آخرتش نیاز داشته باشد، خدای متعال در این دین قرار داده است «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»<sup>۱۷</sup>. اگر هر پیغمبری معجزه‌ای داشته باشد، معنای این سخن این است که بزرگترین معجزه هم، آن وقت معجزه پیامبر عزیز ما است که قرآن کریم است. «وَ نُزِّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»<sup>۱۸</sup> تعبیر خاصی که راجع به قرآن هست. یا

۱۵ آیه ۳۸ سوره مبارکه انعام

۱۶ آیه ۱۹ سوره مبارکه آل عمران

۱۷ آیه ۳۸ سوره مبارکه انعام

۱۸ آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل

۱۹ همان

۲۰ آیه ۲ سوره مبارکه بقره

۲۱ آیه ۸۲ سوره مبارکه اسراء

که من گفتم ادامه هم بدهید. آن وقت وصی او می‌شود اشرف اوصیاء، یعنی اگر قرآن معجزه بزرگ حضرت خاتم است، معجزه بزرگترش علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) و اهل بیت عصمت و طهارت است. اگر این در مرتبه تدوین و تشریح است، آن در مرتبه تکوین است. آن آیه عظمی و بزرگتر آن است. لذا وقتی شما می‌رسید به شب ولادت پیامبر عزیزمان، به شما در شب و روز ولادت پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه)، زیارت علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) را توصیه می‌کنند. اگر کسی علی‌شناس شد محمدشناس می‌شود. باب علم نبی علی است. از این راه باید وارد بشوید. پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) فرمود راه دیگری وجود ندارد «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا»<sup>۲۲</sup> فرمود «وَأَتُوا الْبَيْتِ

مِنْ أَبْوَابِهَا»<sup>۲۳</sup> از راهش وارد بشوید. اگر می‌خواهید وارد منطقه نبوت خاتم بشوید باید از در ولایت وارد بشوید، یعنی راه دیگری ندارد. لذا یکی از مواقف بسیار خوب زیارت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) همین هفدهم ربیع است.

### ورود به منطقه نبوت خاتم، از باب الولاية

می‌خواستم بگویم می‌توانید هم‌چنان ادامه بدهید. از امیرالمؤمنین، از حضرت صدیقه اطهر (سلام‌الله‌علیها)، از هر کدامشان؛ العظمة لله. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ \* إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»<sup>۲۴</sup>. اگر به واسطه نعمت وجود تو من بر خلق منت گذاشتم، به تعبیر من؛

۲۳ آیه ۱۸۹ سوره مبارکه بقره  
۲۴ سوره مبارکه کوثر

۲۲ المستدرک علی الصحیحین: ج ۳ ص ۴۶۳۹ ح ۱۳۸

من در محضر پیامبر اعظم  
 (صلی الله علیه وآله وسلم) نشسته بودم  
 که حسین (علیه السلام) وارد شد.  
 پیغمبر برخاست، حسین اش  
 را در آغوش گرفت، بوسید  
 و بعد فرمود از حسین من  
 فرزندی به دنیا می آید که به  
 او می گویند علی بن الحسین  
 و در قیامت وقتی محضر برپا  
 شد از بطنان العرش، از عرش  
 الهی ندایی بلند می شود لیقم  
 سید العابدین؛ سید العابدین  
 برخیزد. علی بن الحسین  
 (علیه السلام) برمی خیزد. بنابراین  
 همین وجود اقدس حضرت  
 امام سجاد (علیه السلام) را انسان  
 محاسبه می کند می بیند  
 کفایت می کند. می گویی  
 اگر همین به وسیله پیغمبر  
 اکرم (صلوات الله علیه) به بشریت  
 هدیه شده بود کافی بود.  
 امام سجاد (علیه السلام) کیست؟  
 که باز به نظرم از خود جناب  
 جابر نقل شد که در بین همه

منت می گذارم بر تو به  
 واسطه وجود فاطمه (سلام الله علیها).  
 «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» این  
 است. نعمت فاطمه (سلام الله علیها)  
 خیلی بزرگ است، الکوثر،  
 که دیگر هر چه خیر و  
 برکت در دست تو هست  
 به نام زهرا (سلام الله علیها) است.  
 دیگر همین جور بروید نام  
 هر یک از ائمه (سلام الله علیهم اجمعین)  
 را بیاورید همین طور است.  
 مثلاً در باره وجود اقدس  
 امام سجاد (علیه الصلوٰة والسلام) چه  
 می توانید بگویید؟ جابر بن  
 عبدالله انصاری نسبت خاصی  
 با پیامبر اعظم و با اهل بیت  
 (علیهم السلام) دارد. راوی می گوید  
 که من خدمت جناب جابر  
 نشسته بودم که علی بن  
 الحسین (علیهما السلام) وارد شد. تا  
 امام سجاد آمد و نشست، چشم  
 جابر که به امام سجاد (علیه السلام)  
 افتاد گفت که خاطره ای برای  
 شما نقل کنم. جابر گفت

ماه در حالت مثلاً هلال است، بعد مثلاً مشتری نزدیک به او می‌شود یک نسبت خیلی زیبایی پیدا می‌کنند، گاهی شبیه این چیزهایی است که در وسط پرچم قرار گرفته، آن را هم من دیدم، البته این خیلی کم پیش می‌آید. یک بار این قدر این دلنشین بود، یعنی قشنگ مشتری وسط ماه که به صورت هلال بود آن جا، خب مشتری خودش هم خیلی درخشش دارد، خیلی صحنه خاصی بود، از شوق دویدم داخل خانه و خلاصه مادر و پدر و همه را با سروصدا صدا زدم که بدوید ببینید چه خبر است. مزاحمت استراحت‌شان هم شدیم و این‌ها بلند شدند آمدند این صحنه را یک لحظه دیدند. چون در حال حرکت است سریع تغییر می‌کند. حالا غرض این مقارنه خیلی قشنگ است.

فرزندان انبیاء کسی به چنین مرتبتی در عبادت نرسید. لایق سید العابدین؛ قیامت برپا شود، آن آقای همه عبادت کننده‌ها، او از جایش بلند شود، جلوه کند، امام سجاد (علیه‌السلام) برمی‌خیزد و ظهور می‌کند، مقام و مرتبتش بر اهالی محشر جلوه می‌کند.

### تقارن طلوع نور

حضرت صادق (علیه‌السلام)

با ولادت پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه)

هر کدام را بگویید همین است تا برسید به امام صادق (علیه‌الصلوة‌والسلام) که مقارن است، این قران هم خیلی قران دلپذیری است. من دیشب نگاه می‌کردم، ماه و مشتری مقارن بودند، دیشب قران داشتند منتها قرانش چون در وقتی است که ماه تقریباً درخشش گسترده‌ای دارد یک جلوه دارد، یک وقت‌هایی که



به خزانه علم الهی. ما حدیث قدسی داریم. احادیث قدسی از خود پیغمبر اکرم (صلوات الله علیه) نقل شده، ائمه هدی (علیهم السلام) هم اگر احادیث قدسی نقل کردند عمده‌اش نقل از پیغمبر (صلوات الله علیه) است که پیامبر فرمودند خدای متعال چنین گفت. سخنان غیر رسمی خدای متعال با پیامبرش می‌شود حدیث قدسی. اما یک جاهایی امام صادق (علیه السلام) نمی‌گوید که مثلاً از پدرم شنیدم، او از پدرش شنید، یا بعد از پیامبر و او از خدای متعال شنید، بلکه می‌گوید قال الله. امام صادق (علیه السلام) این است که از نظر شرف انتساب در مذهب فخر شیعه است. امام صادق (علیه السلام) استاد کل بشر است.

طلوع نور حضرت صادق (علیه الصلوٰة والسلام) با ولادت پیامبر اعظم (صلوات الله علیه) در سحر هفدهم ماه ربیع الاول مقارن شده است.

### امام صادق (علیه السلام)؛ فخر شیعه

حالا امام صادق (علیه الصلوٰة والسلام) کیست؟ خدا می‌داند دوباره شما به این جا می‌رسید می‌گویید یک امام صادق (علیه الصلوٰة والسلام) کافی بود، یعنی پیغمبر اکرم (صلوات الله علیه) فقط امام صادق (علیه الصلوٰة والسلام) را تحویل می‌داد به عالم علم، به عالم فضیلت، به عالم اخلاق، به عالم عرفان، به عالم جهاد، یک امام صادق (علیه الصلوٰة والسلام) می‌داد کفایت می‌کرد. امام صادق (علیه الصلوٰة والسلام) آن کسی است که زبان مبارکش را باز می‌کند می‌گوید قال الله؛ یعنی مستقیم نقل می‌کند. امام صادق (علیه الصلوٰة والسلام) این است. یعنی در این حد متصل است

## درخشش ستارگان الهی

درخشش عجیبی دارد و رنگ طیف را هم منتشر می‌کند. آن ماه را که تماشا می‌کنم به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) سلام می‌دهم. این‌ها وقتی کنار هم هستند خیلی جالب است. بعد این شب‌ها یک گروه منظره‌ای این ستاره‌ها در صورت فلکی جبار هست، شعرای یمانی هم هست، انسان نگاه می‌کند می‌بیند کأن این نجوم همه‌شان جمع هستند. با هر کدام می‌توانید به یکی از ائمه (علیهم‌السلام) عرض ارادت کنید. «النَّجْمُ الثَّاقِبُ \* إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ»<sup>۲۶</sup>.

### صحیفه سجادیه کتاب صلوات

#### است

«اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ  
أَمِينِكَ عَلَيَّ وَخِيكَ، وَ  
نَجِيئِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيئِكَ

۲۶ آیات ۳ و ۴ سوره مبارکه طارق

من هفته پیش راجع به نور حضرت مهدی (علیه‌السلام) یک توضیحاتی دادم، آن هم چه درخششی داشت. آن هم خودش عالمی دارد. مثلاً شما این شب‌ها آسمان را که نگاه می‌کنید، نزدیکی‌های نماز صبح ماه هست، مشتری هست، شهاب‌نگ هست، که به آن نجم ثاقب می‌گویند. ناهید هم هست که به آن زهره هم می‌گویند که خیلی پرفروغ است. من خودم هر وقت زهره را می‌بینم به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) سلام می‌کنم. واقعاً شکوه و درخششی دارد. حالا شما نگاه کنید یک شب همه این‌ها هستند. نجم ثاقب برای خود من دلالت به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) دارد. این ستاره شعرای یمانی را خیلی دوست دارم، «وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَى»<sup>۲۵</sup>، خیلی ۲۵ آیه ۴۹ سوره مبارکه نجم

به فرمان خدای متعال عمل می‌کنید که گفت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»<sup>۲۸</sup> شما حالا دارید عمل می‌کنید می‌گویید «اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ»<sup>۲۹</sup>.

### ویژگی‌های

پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه)

از منظر امام سجاد (علیه‌السلام)

این جا امام سجاد (علیه‌السلام)، پیامبر عزیزمان را با چند ویژگی توصیف می‌کند.

#### ۱. امین و حی پروردگار متعال

«أَمِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ»<sup>۳۰</sup> در باره وحی چه می‌شود گفت؟ همان کلمه متنی را که گفتیم این جا باید بیاورید. متنی که

۲۸ آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب

۲۹ فرزای از دعای دوم صحیفه

سجاده

همان ۳۰

مَنْ عِبَادِكَ، إِمَامَ الرَّحْمَةِ، وَ قَائِدَ الْخَيْرِ، وَ مِفْتَاحَ الْبَرَكَاتِ»<sup>۲۷</sup>.  
چقدر این تکه فوق‌العاده است. باز می‌بینید صلوات است که یادتان هست، صحیفه است و صلواتش. صحیفه سجاده اصلاً کتاب صلوات است. بارها خدمت‌تان توضیح داده شد، این طور که خاطر هست، حدود دویست و شش یا دویست و هفت جا در همین صحیفه، صلوات هست. خیلی جالب است، دویست و هفت بار صلوات بر محمد و آل محمد (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) می‌باشد. «اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ».

وقتی شما در مقام درودخواهی و صلوات‌خواهی بر پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه) قرار می‌گیرید، دیگر در عالی‌ترین سطح ارتباط با خدای متعال هستید. خیلی ارتباط شما اوج گرفته است، چون دارید

۲۷ دعای دوم صحیفه سجاده

آنچه که خدای متعال به او رسانده بدون هیچ تصرفی عیناً آن را به ما رسانده است.

## ۲. مظهر سبوحیت حضرت حق تبارک و تعالی

«وَ نَجِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ»<sup>۳۱</sup> که فرمود از بین خلق تو، آن که شخصیتش دارای شکوه و جلوه ویژه‌ای است، نجیب است؛ این نجابت که گاهی به معنای برگزیدگی هم می‌آورند و درست هم هست، این برگزیدگی و نجابت حکایت از آن کرامت ذاتی است، همان پردازش‌های ویژه‌ای که در بافت شخصیت او شده که تمام فضیلت‌ها یک جا در شخصیت او بی‌کم و کاست تعبیه شده است. «وَ لَا يَفُوتُهَا

خدای متعال گذاشته که باب گفتگوی با بشریت را از طریق وجود اقدس این نماینده عالی خودش باز کرده. خدای متعال با ما حرف زده. وحی این است. از طریق اشراق، الهام، القاء به قلب مظهر پیامبر اعظم (صلوات الله وسلامه علیه)، حالا با آن ترتیبات خاصی که در کلمه وحی هست که گفت یا از طریق رسول است، از طریق جبرئیل است، یا من وراء الحجاب است، حالا به همان کیفیت‌های خاص خودش، با ما حرف زده. خدای متعال این باب را به روی ما باز کرده است. حاصل کلمه وحی می‌شود قرآن. یعنی همان عظیم‌ترین معجزه که بزرگترین لطف خدای متعال است. کلمه امین این جا کلمه فوق‌العاده‌ای است «أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ»، این امین وحی خدا است. «أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ» یعنی

### ۳. سفره‌دار رحمت الهی

آن وقت در باره ائمه (علیهم‌السلام) شما هم همین کلمه صفی و همین کلمه نجیب را به کار می‌برید بعد می‌گویید صفی و ابن صفیه، «السلام علیک یا صفی الله»، راجع به امام حسین می‌گوییم «و ابن صفیه»، یعنی همه‌شان سلسله سلسله اصفیاء است. دوستان دقت کنید «إِمَامَ الرَّحْمَةِ وَ قَائِدَ الْخَيْرِ»<sup>۳۳</sup>، امام رحمت است. این الف و لام یعنی همه رحمت، همه مراتب رحمت، امامش، پیشوایش، پرچمدارش پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه) است. سفره‌دار رحمت الهی پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه) است. سفره رحمت رحمانیه به دست پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) می‌افتد «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۳۴</sup> سفره رحمت

شَيْءٌ وَ إِن لَّطَفًا»<sup>۳۲</sup> یعنی در شخصیت پیغمبر (صلوات‌الله‌علیه) چیزی جا نمانده، کوچک‌ترین و لطیف‌ترین چیزهایی هم که لازم بوده خدای متعال در وجود نازنین او قرار داده است. لذا مقام جان‌فزایش جمع جمع است. همه چیز آن جا هست، هیچ کم و کاستی در وجودش نیست. مظهر سبوحیت حضرت حق تبارک و تعالی خود کلمه محمدیه است، در آن هیچ نقصی نیست. «وَ لَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَ إِن لَّطَفًا». بنابراین «وَ نَجِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ» یعنی آن که خدای متعال از همه زلال‌تر، صاف‌تر، مثل یک آینه زلال در برابر جمال و جلال خودش گرفته، آن که از بین همه بنده‌هایش، آن که صفی خدای متعال است، حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

همان ۳۳

۳۴ آیه ۱۰۷ سوره مبارکه انبیاء

همان ۳۲

پیش می‌برد. وقتی پشت سر می‌رود می‌شود سائق، وقتی جلو حرکت می‌کند می‌شود قائد که به او اقتداء می‌شود. با نگاه به او راه شناسایی می‌شود و مسیر انتخاب می‌شود. «قَائِدِ الْخَيْرِ» یعنی خیر با تمام معانی‌اش؛ مادی، معنوی، ظاهری، باطنی، هرچه که خیر باشد قیادت آن با حضرت خاتم است. «قَائِدِ الْخَيْرِ» یعنی همه خیرات.

در زیارت جامعه کبیره «وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَه» است، مفتاح یعنی کلید، برکت هم یعنی برکت. نعمت وقتی فراخ و ثابت می‌شود، می‌شود برکت، یعنی ماندگار. نعمت فراخ و ماندگار اسمش برکت است. این جا «مِفْتَاحِ الْبَرَكَه»، باز به تمام معنای خودش است. مفتاح آن کیست؟ کلیدش محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

رحیمیه به دست پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) می‌افتد «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»<sup>۳۵</sup>، «رئوف رحیم» این است. این کلیدواژه‌ها الهام‌بخش هم هست، مثلاً کلمه «امام الرحمة» خیلی الهام‌بخش است. یعنی دین او، مرام او، سیره او، منطق او، روش او، سخن او، منهج او همه‌اش رحمت است. حکایتی از مهر پروردگار متعال است.

#### ۴. مفتاح البرکه

این کلمه «قَائِدِ الْخَيْرِ» هم خیلی تعبیر زیبایی است، «و قَائِدِ الْخَيْرِ»، قائد به معنای پیشوا، قافله‌سالار. ما یک قائد داریم یک سائق داریم. قائد و سائق. یک وقت جلو حرکت می‌کند، یک وقت پشت سر حرکت می‌کند

## فرصت شباهت به پیغمبر اکرم

(صلوات‌الله‌علیه)

امامش، قائدش، مفتاحش، مساوی است با برکت.

گفت «شیر را بچه بدو ماند همی / تو به پیغمبر چه می‌مانی بگو». گفت چی تو به بابا رفته، بالاخره فرزند یک شباهتی به پدر می‌برد، آخر تو چه شباهتی پیدا کردی؟ الحمدلله شباهتی داری، این شباهت را گسترش بدهید. محیط زندگی ما محیط شباهت است. فرصت شباهت

پیدا کردن به پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) است که فرمود **«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»** ۳۶.

البته یادتان باشد در محور سلبی هم حذف شرور از محیط زیست بشر، حذف شر از محیط زیست بشر، حذف نکبت از محیط زیست انسان؛ حذف نقطه مقابل رحمت

۳۶ آیه ۲۱ سوره مبارکه احزاب

ضمناً الهام‌بخش است یعنی اگر تو با این وجود اقدس ارتباط داشته باشی سراپای وجود تو باید بشود خیر و رحمت نسبت به خلق، اگر با این وجود اقدس ارتباط داشته باشی تمام وجودت باید بشود برکت. فکرت برکت، ذکرت برکت، قدمت برکت، قلمت برکت، مدیریتت برکت، تدریسات برکت، جهادت برکت، کارت برکت، فعالیت اقتصادی برکت. وجود باید برسد، باید سفره‌داری کنی. این سه کلیدواژه را به خاطر بسپارید؛ رحمت، خیر، برکت. هر کدام این‌ها ترجمه نام محمد (صلوات‌الله‌علیه) است. محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مساوی است با الرحمه به تمام معنایش، مساوی است با الخیر به تمام معنا. چون می‌گویید

حتی وقتی که شر در چهره نزدیک‌ترین کسان پیغمبر قرار گرفت وارد مبارزه با آن‌ها و حذف آن‌ها شد. درگیر شد، وارد جنگ شد. چون بعضی‌ها این «امام الرحمة» و «فائد الخیر» و «مفتاح البرکة» را یک طرفه معنا می‌کنند. یک کلیدواژه‌ای درست کردند که کلیدواژه غلط‌اندازی است. می‌گویند اسلام رحمانی. این از آن باب «کلمة حق یراد به الباطل» است.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌گوید وقتی جنگ سخت می‌شد، جنگ اوج می‌گرفت، درگیری به اوج خودش می‌رسید و ما کم می‌آوردیم، می‌رفتیم خودمان را می‌رساندیم به پیغمبر (صلوات‌الله‌علیه)، در پناه او قرار می‌گرفتیم. پیغمبر این است، لذا در ادامه می‌گوید: «کَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ وَ

چیست؟ یعنی آن جایی که غضبی است بر علیه بشریت، حذف آن خشم، حذف آن درشتی، حذف آن غضب‌نماد ویژه رحمت است. آن جایی که یک شری متوجه زندگی بشر است، مخصوصاً مؤمنین، حذف آن شر بزرگترین خیر است. آن جایی که یک نکتبی در زندگی انسان‌ها افتاده، برطرف کردن آن نکتبت که نقطه مقابل برکت است، باز می‌شود برکت، یعنی اقدام برای برکت. بزرگترین برکت برطرف کردن نکتب از زندگی انسان‌ها است.

### چشم امید همه انبیاء به خاتم انبیاء است

آن وقت ادامه‌اش را که می‌خوانید می‌گوید پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) برای تأمین خیر و رحمت و برکت برای انسان‌ها به میدان رفت.



که آمده بود دیدن پیغمبر  
 (صلوات‌الله‌علیه) و موفوق به زیارت  
 نشده بود، آن وقت پیغمبر  
 (صلوات‌الله‌علیه) می‌گوید «إِنِّي أَشْمُ  
 رَائِحَةَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ  
 الْيَمَنِ». بینید این است، و آلا  
 این شخص یمنی چه ربطی  
 به پیغمبر (صلوات‌الله‌علیه) دارد؟  
 می‌شود عزیزترین کس پیغمبر  
 که او ندیده عاشق است، پیامبر  
 هم عنایت خاص به او دارد.  
 اما از این طرف نزدیک‌ترین  
 کسان به پیغمبر از جهت  
 فامیلی، پیغمبر به روی آن‌ها  
 شمشیر می‌کشد، که حالا در  
 ادامه این را هم می‌گوید، «وَ  
 وَالِي فَيْكِ الْأُبْعَدِينَ، وَ عَادِي  
 فَيْكِ الْأَقْرَبِينَ، وَ أَدَابَ نَفْسَهُ  
 فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ، وَ أَتَعْبَهَا  
 بِاللُّدْعَاءِ إِلَيَّ مَلَّتْكَ، وَ شَغَلَهَا  
 بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ»<sup>۴۱</sup> بعد  
 هم هجرت کرد «وَ هَاجَرَ إِلَيَّ  
 بِلَادِ الْغُرَبَاءِ، وَ مَحَلَّ النَّأْيِ  
 عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ

دعای دوم صحیفه سجادیه ۴۱

عَرَضَ فَيْكِ لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ»<sup>۳۷</sup>  
 بدن مبارکش را برد به میدان  
 سختی‌ها، «وَ كَاشَفَ فِي  
 الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ»<sup>۳۸</sup> برای  
 این که مردم را به سوی تو  
 دعوت کند با نزدیک‌ترین  
 کسان و فامیل‌های خودش  
 وارد جنگ شد، با آن‌ها  
 درگیر شد. «وَ أَقْصَى الْأَدْنَيْنِ  
 عَلَى جُجُودِهِمْ»<sup>۳۹</sup> آن‌هایی  
 که با پیغمبر خیلی هم  
 فامیلی نزدیک داشتند، به  
 خاطر انکارشان نسبت به  
 حق از آن‌ها خیلی فاصله  
 گرفت، «وَ قَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ  
 عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ»<sup>۴۰</sup>.

اگر با این‌ها وارد جنگ شد  
 اما از آن طرف یک کسی که  
 پیغمبر (صلوات‌الله‌علیه) را ندیده بود،  
 ندیده عاشق پیغمبر (صلوات‌الله‌علیه)  
 است. او پس قرنی وقتی

دعای دوم صحیفه سجادیه	۳۷
همان	۳۸
همان	۳۹
همان	۴۰

رَجْلِهِ، وَ مَسْقَطِ رَأْسِهِ»<sup>۴۲</sup>.  
 دعاست. «بِمَا كَدَحَ فِيكَ»  
 به خاطر آن زحمت‌هایی که  
 به خاطر تو کشید، اذیت‌هایی  
 که شد که هیچ کس مثل  
 پیغمبر (صلوات‌الله‌علیه) اذیت نشد،  
 خدایا به او عالی‌ترین درجات  
 را بده. حالا ما که آرزو می‌کنیم،  
 والا او که دارد. این ادب در مقام  
 دعا است. بالاترین منزلت را  
 به او بدهد که دیگر بالاتر از  
 آن هیچ تصویری برای او وجود  
 نداشته باشد «وَلَا يُكَافَأُ فِي  
 مَرْئِيَّةٍ، وَلَا يُوَازِيهِ لَدَيْكَ مَلَكٌ  
 مَّقْرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ»<sup>۴۵</sup>.

در پایان هم می‌گوییم خدایا  
 شفاعتش را روزی ما هم قرار  
 بده. «مِنْ حَسَنِ الشَّفَاعَةِ».  
 «وَمَعْرِفَتُهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ  
 وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ  
 الشَّفَاعَةِ»<sup>۴۶</sup> چشم امید همه  
 انبیاء به خاتم انبیاء است.

پیغمبر (صلوات‌الله‌علیه) عاشق مکه  
 بود، او اصلاً تصویری از این  
 که یک شب مکه نباشد  
 نداشت، پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه)  
 به خاطر رسالتش هجرت کرد.  
 مکه را رها کرد رفت مدینه  
 تا این دین عزیز شود، تا  
 این پیغام به من و شما و  
 تاریخ برسد. «فَغَزَاهُمْ فِي  
 عُمْرِ دِيَارِهِمْ. وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ  
 فِي بَحْبُوحَةِ قَرَارِهِمْ»<sup>۴۳</sup> این  
 غزوات و جنگ‌هایی که پیغمبر  
 (صلوات‌الله‌علیه) می‌رفت در قلب  
 دشمن، در شهرهایشان با آنها  
 درگیر می‌شد «حَتَّى ظَهَرَ  
 أَمْرُكَ، وَ عَلَتْ كَلِمَتُكَ، وَ لَوُ  
 كِرَةَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۴۴</sup> این‌ها است.

آخرش هم دیگر شما دعا  
 می‌کنید. این قسمت پایانی‌اش  
 هم دعا برای پیامبر است

همان	۴۵
دعای دوم صحیفه سجادیه	۴۶

همان	۴۲
همان	۴۳
همان	۴۴

در این شب عزیز قرار بدهد.

چشم همه به پیغمبر اکرم  
(صلوات‌الله‌علیه) است. «يَا نَافِذَ

الْعِدَّةِ، يَا وَافِيَ الْقَوْلِ، يَا  
مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنْ  
الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ  
الْعَظِيمِ»<sup>٤٧</sup>، «ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»

برمی‌گرداند به اول، «ذو  
الفضل العظيم» صاحب فضل  
عظیم، فضل عظیم کیست؟  
خود پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه)  
و رسالت نبوی است.

این جلسه در حد یک  
عرض ارادت مختصری بود  
از همین متن صحیفه به  
محضر پیامبر عزیزمان که  
یک تلاش مذبوحانه‌ای بود.  
ولی حرف‌های ما کجا،  
کلمات امام سجاد (علیه‌السلام)  
کجا؟ حقایق صحیفه کجا؟ ان  
شاءالله که خدای متعال این  
جلسه را جزو بهترین جلسات  
زندگی ما در عرض ارادت به  
ساحت پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه)



افوغها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر